

همایش علمی- پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان ارشاد اسلامی، سازمان شهرداری (استان کرمانشاه) مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (استان تهران) و ...))

سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)

تاریخ برگزاری همایش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۱ شماره مقاله: ۱۲/۵۵۱۸ رده بندی کنگره: ح ۲۴/۴۴۵۶

بررسی و تحلیل گفتمان سوره مبارکه کوثر با مذاقه در

آموزه های خاص آن

مژده شمسی

محقق و پژوهشگر

چکیده

در این مقاله هدف محقق تحلیل گفتمان محتوا و زبان سوره مبارکه کوثر بود و این مهم با تکیه بر ابزار دستور نقش‌گرای هالیدی، یکی از اصیل‌ترین رویه‌های تحلیل گفتمان که خود سرچشمه رویکردهای بعدی بوده است صورت گرفت. در این مقاله پس از ذکر مختصری اهمیت سوره مبارکه کوثر در تفسیر و ادبیات موجود در ادبیات رشته مطالعات قرآنی، به تحلیل گفتمان بندهای این سوره پرداختیم و آن را از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار دادیم. نشان دادیم که چگونه، با توجه به تحلیل ابزار زبانی، گوینده پیام اصلی خود یعنی برخورداری پیامبر از رحمت ویژه خداوند و برخورداری از کوثر و ابر بودن دشمنان و نیز اهمیت شکر بر این نعمت از سوی مخاطب را در قالب ساختار اطلاعاتی متن قرار داده که خود مرهون نشان‌دار بودن مبتدا و برخورداری از اطلاع نو است. همین‌طور در این تحقیق نشان دادیم که چگونه ابزار انسجامی، به‌ویژه ابزار انسجامی واژگانی (بدون تکرار)، انسجام آوایی، انسجام دستوری (به‌ویژه ارجاع به ماقبل) و حذف در نیل به این مهم نقش داشته‌اند.

واژگان کلیدی: سوره مبارکه کوثر، تحلیل گفتمان، ساختار اطلاعاتی متن، انسجام، زبان‌شناسی نقش گرا

بخش اول: مقدمه

از منظر زبان‌شناسی نوین می‌توان قرآن کریم را متبی چندلایه و مملو از پیچیدگی‌های زبانشناختی به-ویژه معنایی و گفتمانی دانست. در ادبیات تحقیق علوم قرآنی، پژوهشهای بسیاری برای کشف معانی الفاظ و ارتباط میان آنها با یکدیگر به‌عمل آمد که البته در علم تفسیر قرآن به قرآن و بینامتنی قرآن مسبوق به سابقه‌ای طولانی است. اگرچه تا پیش از سده چهاردهم هجری بیش‌تر این مطالعات به نظم قرآن و تناسب میان آیات و سوره‌های آن محدود بود ولی از این قرن به این سو بیش از پیش پیوستگی انسجام آیات مد نظر بوده‌است. با این حال، تاکنون کم‌تر به ساختار معنایی و عوامل پیوستگی و انسجام متنی قرآن کریم از منظر گفتمانی و تحلیل کلام پرداخته شده‌است. به عبارت دیگر، در این مدت که رشته زبان‌شناسی و به‌ویژه تحلیل متن به شناختی نظام‌مندتر و عمیق‌تر از زبان و ماهیت آن دست‌یافته‌است، کمتر از این نظریات نوین در درک و تحلیل آیات قرآن کریم بهره‌برداری شده‌است. از این رو، خلا پژوهشی بزرگی وجود دارد که تلاش در آن حیطه می‌تواند زمینه را برای فهم بهتر و روش‌مند قرآن فراهم نماید و درک ما را از آیات آن ارتقا بخشد.

از مهم‌ترین دستاوردهای زبان‌شناختی و تحلیل متن که مطالعات قرآن کریم را به مرحله نوینی وارد کرد مباحث تحلیل گفتمان است. تحلیل گفتمان در قالب تحلیل متن و کلام از علوم نوینی است که در سال‌های اخیر زمینه جدیدی را پیش روی محققان علوم قرآنی قرار داده‌است و روند بهره‌برداری از آن نیز رو به رشد است. تحلیل گفتمان به زبان ساده دانشی است که به تحقیق درباره سازوکار اجزای تشکیل دهنده متن برای دستیابی به لایه‌های معنایی و کارکردی آن می‌پردازد و برای نیل به این هدف به همه عوامل مؤثر در تشکیل معنای متن توجه می‌کند. تحلیل متن یا کلام مجموعه‌ای منسجم است که می‌تواند به درک هر متن چند لایه‌ای، که قرآن کریم نمونه فاخر آن است، به ما یاری رساند.

نگارنده این مقاله نیز با هدف بهره جستن از این روش نوین زبان‌شناختی کوشید تا بر اساس نظریه بنیادین تحلیل گفتمان یعنی نظریه نقش‌گرای هالییدی عناصر و ابعاد گوناگون تشکیل دهنده متن بخشی از متن گوه‌ربار قرآن کریم را به ورطه تحلیل بگذارد و تفسیری بر تحلیل گفتمان و با رویکردی نقش‌گرا از سوره مبارکه کوثر ارائه دهد.

بخش دوم: مبانی نظری

بند اول: سوره مبارکه کوثر

این سوره که سه آیه دارد بر مبنای آرای مفسران نام خود را از مهم‌ترین و شاخص‌ترین واژه آن در نخستین آیه برگرفت. این سوره پانزدهمین سوره در ترتیب نزول بوده و در مکه مکرمه در اوایل بعثت پیامبر اکرم نازل شد است (معرفت، ۱۳۷۸). درباره شان نزول این سوره در روایات درباره آمده است: که این سوره پس از آن نازل شد که عاص بن وائل، از سران مشرکان مکه، پیامبر اکرم را پس از وفات عبدالله پسر پیامبر ابر (بی دنباله) نامید. در این سوره، کوثر به پیامبر بشارت داده شد و دشمنان او را ابر خوانده شده‌است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲؛ طباطبایی، ۱۳۸۷).

بند دوم: فضای گفتمانی سوره مبارکه کوثر

سوره مبارکه کوثر به لحاظ گفتمانی برای فضای کنشی است و از نظر عملی و ماهیتی در آن فعالیت اجتماعی رخ داده‌است. در این سری کنش‌های اجتماعی که چند لایه دارد، زبان اصلی‌ترین نقش را ایفا می‌کند. اولین لایه در گستره گفتمانی سوره مبارکه کوثر نزول این سوره بر پیامبر اکرم است که کنش ارتباط میان او و خداوند در آن تجلی می‌یابد. این کنش، زبان محور است. لایه گفتمانی بعدی موضوع گفتمان است که به نوعی همان شان نزول سوره مبارکه کوثر است. عوامل گفتمانی در این سوره در واقع همان ذات، جایگاه و نقش افرادی است که در این بافت اجتماعی حاضرند که در این مقوله نیز با دو لایه روبه‌رو هستیم. ارتباط پایدار خداوند و پیامبر اکرم (یا همان نبوت و وحی) به عنوان لایه اول و متکلم بودن خداوند و مخاطب بودن پیامبر اکرم به عنوان لایه دوم. لازم به ذکر است که این لایه رابطه‌ای سلسله مراتبی (نابرابر و رسمی) است؛ این ادعا مبین این است که این کنش زبانی براساس اراده خداوند (متکلم) پیش می‌رود و پیامبر اکرم (که واسطه پیام به عامه مردم است) تنها مخاطب آن است.

به لحاظ شیوه گفتمان سوره مبارکه باید بررسی کرد که عوامل موجود در بافت موقعیتی بر سازمان‌بندی گفتمان تاثیر می‌گذارد یا خیر. به عبارت دیگر، زبان تا چه حد در وقوع کنش در این بافت نقش دارد و این که نقش آن اصلی است یا این که در این کنش نقشی فرعی دارد. علاوه بر این، کانال ارتباطی که از طریق آن گفتمان انجام می‌شود شفاهی است یا کتبی. از این منظر، سوره مبارکه کوثر به لحاظ گفتمانی، بر کانال ارتباطی شفاهی استوار است که برای انتخاب و آرایش عناصر کلام و گزینش ابزار زبانی و

سازمان بندی گفتمانی مختص به خود دارد و البته مخاطب آن (پیامبر اکرم) در شکل گیری آن مشارکت ندارد. از این رو، سوره مبارکه کوثر از لحاظ گفتمانی مکالمه نیست بلکه تک گویی است.

برای تحلیل گفتمان سوره مبارکه کوثر باید بافت فرهنگی و موقعیتی زمان نزول آن را نیز مد نظر قرار داد زیرا احوالات جامعه و اقتضای حال زمانی و مکانی گفتمان عنصری است که در شکل دادن به گفتمان مؤثر است. سوره مبارکه کوثر با توجه به آیه اول با تاکید آغاز شده است و این تاکید می کند که مخاطب و موضوع مورد اشاره سوره در محیط مکه منکر است و پیام مهمی در این سوره قرار است به مخاطب منتقل شود. کوتاهی به نسبت سایر سوره های قرآن کریم نیز به لحاظ بافت حائز اهمیت است. با توجه به داده های تاریخی، فضای مکه کفرآلود است و سران آن در برابر نشر آیات قرآن کریم از سر عناد و دشمنی وارد شده اند. بنابراین، در چنین فضایی ایجاد ارتباط با عامه مردم راحت نیست و سخن کوتاه تر مؤثرتر است. وجود ایجاز در بیان، هماهنگی آوایی و لحن گوینده در این سوره مبین آن است که خداوند قصد دارد مردم را بیدار کند از فساد و تباهی و خرافه بازگردند. از سوی دیگر این سوره متناسب با فضای شعر و شاعری حاکم بر مکه با فصاحت و بلاغت مورد ستایش زبان عربی کاملاً سازگار و از نمونه های عالی آن است.

بخش سوم: روش شناسی و چارچوب نظری

به منظور تحلیل سوره مبارکه کوثر، بر سه جنبه اصلی تحلیل گفتمانی نقش گرای هالیدی تاکید شد. جنبه اول با نگاهی به فرانش تجربی در آیات این سوره انجام شد. این فرایند سه عنصر کلیدی دارد که سازوکار تعدی از میان گزینه های موجود در نظام زمان افعال انتخاب می کند. عناصر هر فرایند عبارت است از خود فرایند، شرکت کننده های فرایند و موقعیت های مربوط به فرایند. در این مقوله، فرایند عبارت است از یک رخداد، کنش، یا احساس، گفتار یا بود و نبود. مشارکت کنندگان فرایند اسباب وقوع فرایند را تعیین می کنند (تامسون، ۲۰۰۳). انواع فرایندها عبارت اند از فرایند مادی (اعمالی فیزیکی هستند که به انجام کاری یا رخدادی اشاره می کنند)، فرایند رابطه ای (توصیف یا شناسایی رابطه بین دو چیز پدیده با هم که با استفاده از افعال ربطی همراه است) (هالیدی، ۲۰۰۲) و فرایندهای ذهنی (تجربه فرد از جهان و خودآگاهی اش که ادراک، شناخت و واکنش های ذهنی را شامل می شوند) (هالیدی، ۲۰۰۲).

علاوه بر این سوره مبارکه کوثر از منظر فرانش بین فردیت نیز تحلیل می شود. به نظر هیلیدی همواره کاربرد زبان اتفاق دیگری هم می افتد و آن نعامل ارتباط است؛ پس همیشه برای زبان فرانش بین فردی وجود دارد که بر تعامل گوینده یا نویسنده با مخاطب استوار است و در گوینده و مخاطب هر یک نقش

خاصی ایفا می کند (هلیدی، ۲۰۰۴). این نقش ها یا کنش های گفتمانی در ساختار وجهی تحقق می یابد که دو بخش اصلی وجه و باقیمانده عناصر تقسیم می شود. وجه در این بین نقشی اساسی دارد و هسته اصلی گفتگو و تعیین کننده نوع تعامل است و نگرش گوینده است. باقیمانده عناصر، سازه های دیگر که ممکن است نقش های گزاره ساز، متمم و یا ادات باشند را در بر می گیرد (بلور و بلور، ۱۹۹۷). علاوه بر این، در این تحقیق، سوره مبارکه کوثر با توجه فرانش متن هم مورد تحلیل قرار گرفته است. ساختار صوری و اطلاعاتی فرانش با ساخت متن سرو کار دارد و نشان می دهد که چگونه یک پیام متناسب با بافت انتقال می یابد و چگونه با آنچه پیش تر گفته شده مرتبط است.

بخش چهارم: تحلیل داده ها

در بخش اول تحلیل به بررسی فرانش تجربی در سوره مبارکه کوثر می پردازیم. در زبان شناسی نقش گرا با استفاده از برجسب های نقشی می توانیم محتوای گفتمانی را در چارچوب فرایندی تعریف کنیم که شرکت کننده های موقعیت مورد مطالعه را در بر می گیرد. بیان فرانش تجربی در نظام تعدی (گذرای) متجلی است. نظام تعدی از این نظر مهم است که مبین گزینش گوینده از میان امکانات نظام گفتمانی است (سیمپسون، ۱۹۸۰). فرایندهای ساخت تعدی در سوره مبارکه کوثر از این قرار است که هفت فعل و فرایند وجود دارد که چهار فعل آن (در بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ إِنَّ سَانَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ) از افعال مستتر و سه فعل (در إِنْنا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ وَ فَصَلْ لِرَبِّكَ وَأَنْخَرْ) ظاهر است. فرایند مادی با یک فعل ظاهر و دو فعل مستتر و فروان ترین فرایند است. فرایند رفتاری با دو فعل ظاهر و فرایند کلامی و فرایند رابطه ای هر یک با یک فعل مستتر در مراتب بعدی اند. به طور کلی چهار فرایند، اصلی است و سه فرایند فرعی. در همه موارد انسان به عنوان شرکت کننده فرایند حضور دارد، و در بیش از نیمی از آن ها خداوند نیز حاضر است. وجود هفت فرایند در این سوره کوتاه و در عین حال حفظ آهنگ و ساختار سوره حاکی از فصاحت و بلاغت عالی قرآن در انتقال مفاهیم است. این امر نه تنها نشان دهنده دانش و توانایی بی حد و مرز متکلم قرآن است، بلکه ناتوانی مخاطب آن (انسانها را نیز آشکار می سازد. به طور کلی از نظر تحلیل گفتمان باید گفت که کثرت و فراگیری فرایندهای کلامی چه در این سوره و چه در کل قرآن کریم به جهت گفتاری بودن زبان قرآن است. بهره گیری کمتر از فرایندهای مادی، رفتاری و رابطه ای و به کار نبردن فرایند ذهنی در این سوره، نشانه فاصله گرفتن سوره از فضای ذهنی استب ه- طوری که هنگام جسارت به مکتب یا رهبر جامعه اسلامی پاسخ باید با فرایند قولی و فعلی پاسخ داد همراه باشد.

پشت سر هم آمدن سه فرایند مادی با توجه به نیاز این افعال به کنش گر و کنش پذیر دلالت بر عملی دارد که اتفاق خواهد افتاد کنش پذیر از آن گریز ندارد؛ خداوند کنشگر است و رحمتش همه انسان ها را شامل می شود. تکرار این فرایند پشت سر هم در آغاز سوره با مضمون رحمت بیانگر رحمت ویژه خداوند به پیامبر اکرم است. علاوه براین، فرایند مادی اعطا کردن که مهم ترین فرایند مادی این سوره است، که با فعل ظاهر بیان شده است نیز مبین همین موضوع است و در این فرایند، خداوند کنشگر، و پیامبر کنش- پذیر است. این فرایند نیز مبین رجعت ویژه خداوند به پیامبر است.

علاوه بر این، وجود دو فرایند رفتاری پیاپی در آیه دوم پس از ذکر سه فرایند مادی در آیه نخست، مبین این است که نعمت و رحمت مستلزم شکر مخلوق نسبت به آن است. نکته جالب این که فرایندهای کم اهمیت تر در ابتدا و انتهای سوره با افعال مستتر آمده و افعال ظاهر که مبین کنش های پراهمیت تر می- باشند پشت هم در آیه های اول و دوم آمده اند. یعنی هدف اصلی سوره در میان آن است که پیام اصلی سوره را دارد. هم چنین مشاهده می شود که فرایندهای مربوط به پیامبر بار معنایی مثبت، ولی فرایند رابطهای آیه سوم که مربوط به دشمن ایشان است بار معنایی منفی دارد.

در ادامه از جنبه دوم چارچوب نظری این پژوهش یعنی جنبه فرانتش بینا فردی این سوره را مورد بررسی قرار می دهیم. سوره مبارکه با توجه به نظام نقش بینا فردی حاووی زوایای قابل توجه است. در این گفتمان از لحاظ بینا فردی، پنج فعل به کار رفته که یک فعل زمان حال، دو فعل های زمان گذشته و دو فعل (حال و آینده) می باشد. از نظر وجه، دو فعل دارای وجه امری و سه فعل خبری است. وجه خبری برای بیان خبر با اطلاع رسانی است و اعتبار آن از قطعیت تا عدم قطعیت متغیر است و نیز می تواند نیز مثبت یا منفی است. افعال مربوط به خداوند متعال هر سه قطبیت مثبت دارند و از نظر اعتبار قطعی اند. تمام افعال این سوره معلوم اند؛ یعنی فاعل مشخص است و این از قطعیت خبر حکایت دارد فاعل مفرد مذکر حاضر و مفرد مذکر غایب و نیز مفرد مذکر حاضر است. این که فاعل چهار فعل مفرد است و نیز در فعل اصلی جمله (أعطینا) متکلم مع الغیر است و نسبت به بقیه فاعل ها از پررنگ ترین حضور برخوردار است نشان می دهد خداوند متعال در عرصه تعاملات موجود در سوره مبارکه کوثر است کنش گر اصلی است و بر عظمت ذات خداوندی تاکید دارد. حضور پیامبر اکرم در جایگاه فاعل در ابتدا کمرنگ است ولی در آیه های سوم و چهارم آشکارتر می شود. به عبارت دیگر غیبت دشمنان در این آیات حاکی از جایگاه نازل آن در تعامل بین خدا و رسول است. از طرفی با توجه به خاصیت فراگیری فعل مستتر «کان» در **إِنَّ سَائِكَ هُوَ الْأَبْتَرُ** همه انسان ها را نیز مورد خطاب هستند داده و و به همه زمان ها اشاره می شود و مفهومی ابدی مطرح است و چنان که این مفهوم می تواند به سایر حقایق مطرح شده در سوره نیز تسری

یابد (لارسن، ۱۹۸۴). از ساختار وجهی می‌توان نتیجه گرفت که خداوند در روش ارتباطی خود در کنار بندهای خبری از بندهای با تعامل دو سویه بهره برده‌است تا مخاطب فعالانه با موضوع درگیر شود و در فضای سوره تعادل ارتباطی ایجاد شود و اقتدار خداوند در گفتمان سوره تقویت گردد. دیگر آن که از ادات کیفی و وجه‌نما (در آیات اول و سوم) استفاده شده که دال بر حتمی بودن پیام است.

وجود امتنان در آغاز و پایان سوره در قالب خبری حاکی از جریان رحمت ویژه بر پیامبر است. این مسئله با توجه به ادات وجه‌نما و موارد تأکیدی در آیه اول (خبر پر از تأکید) یعنی وجود ضمیر «نحن» و نشان-دار بودن جمله اسمیه روشن است. در آیه سوم، «فإنه» و نشان دار بودن جمله اسمیه نیز از نشانه تأکید است، در حالی که هیچ یک از بندهای امری آیه دوم این خصوصیات را ندارند. پس می‌توان ادعا کرد که جهت و هدف اصلی سوره اظهار لطف و امتنان به پیامبر اکرم است.

در ادامه از بخش‌های مهم سوره و تحلیل آن با توجه به پیام گوینده، دانسته‌های پیشین شنونده، و چگونگی سازمان‌دهی اطلاعات (نو و کهنه) در سوره کوثر می‌پردازیم. سوره مبارکه کوثر با «بسم الله الرحمن الرحیم» یعنی متمم شروع می‌شود و بنابراین می‌توان گفت که نشان‌دار است. باید خاطرنشان شد که در ساخت مبدا خبری در زبان عربی، الزاماً با سازمان‌دهی اطلاعاتی هر جمله یعنی اطلاع کهنه (که جمله را با جمله‌های پیشین یا بافت غیرزبانی مربوط می‌کند) و اطلاع نو (که پیش‌تر در متن نیامده و در بافت غیرزبانی هم موجود نیست) منطبق نیست. نظام مبتدا-خبری گوینده‌محور ولی نظام اطلاعاتی، شنونده‌محور است (هلیدی: ۲۰۰۴). بنابراین گوینده با تقطیع اطلاع نو و کهنه از دید شنونده و نشان‌دار کردن جمله از دیدگاه ایدئولوژیک منظور خاصی را دنبال می‌کند؛ یعنی «بسم الله» در ابتدای سوره حاکی از تأکید شدید گوینده و برجسته‌سازی محبت و رحمت ویژه به پیامبر است. به طور کلی، در این سوره مبتدا نشان‌دار بوده و ساخت رایج نظام مبتدا خبری جابجا شد تا گوینده پیام در کل سوره بر پیام ویژه خود تأکید کند. جالب این‌که نشان‌دار بودن به افزایش انسجام معنایی و ساختاری متن سوره مبارکه کوثر و افزایش توجه خواننده به پیام سوره کمک کرده‌است.

۲. بند دوم و پنجم در سوره مبارکه کوثر، وجه‌نماست. مبتدا در آن‌ها بینافردی است و تلفیق آن با عناصر بافت، دیدگاه گوینده کلام را نسبت به آن عناصر تبیین می‌کند و حاکی از ارزیابی گوینده کلام از این عناصر است و در بند دوم وجود «إننا» برای تأکید ویژه و مکرر بر پیام گوینده کلام است یعنی خداوند با تأکید و اطمینان، از لطف و عنایت خاص خود به پیامبر می‌گوید. در اینجا هم ساخت رایج زبان عربی برقرار نیست تا با نشان‌دار شدن تأکید گوینده و پیام خاص او به مخاطب برسد. از این رو، در خبر در بند پنجم زوال و نافرجامی ابدی دشمنان پیامبر تأکید می‌کند. در بند سوم و چهارم، در «فصل لربک و

الأنهر» اهمیت عناصر متنی کمتر از عناصر بافتب نیست. عناصر متنی باعث باعث انسجام عناصر بافتی می‌شوند تا پیام بین گوینده و شنونده ردوبدل شود. هرچه عناصر بافتی متن غنی‌تر باشد، معنایی بیشتری برای قسمت‌های مختلف متن وجود قابل استخراج است و در نهایت عناصر مثنی کمتری نیاز است. در بندهای سوم و چهارم سوره انسجام بالایی وجود دارد و عنصر ارجاعی در بند پنجم امکان ارتباط دو متن را فراهم می‌کند. در اینجا تغییر هدف متن به تغییر ساخت متن می‌انجامد.

در ادامه به ساختار اطلاعاتی سوره مبارکه کوثر می‌پردازیم. این سوره کوثر با مبتدای مرکب آغاز می‌شود که نشان‌دار است. معمولاً محور کلیدی هر سوره در آیه یا دو آیه نخست می‌آید و بین آن‌ها با تمام آیات آن سوره ارتباط تنگاتنگی برقرار است. بنابراین آیه نخست مهم‌ترین پیام یعنی جاودانگی پیامبر در پرتو برخورداری از کوثر است و در مبتدای نشان‌دار آمده و خبر آن، پس از آن قرار دارد تا دو پیام اصلی سوره یعنی رحمت بر پیامبر و نابودی دشمن وی، و دیگری شکر این نعمت با تاکید به شنونده منتقل شود.

نتیجه‌گیری

این تحقیق با تکیه بر ابزار تحلیل گفتمان به دنبال بررسی آموزه‌های سوره مبارکه کوثر بود. نتایج این تحلیل نشان داد که ساختار اطلاعاتی، مهم‌ترین ابزار گوینده برای ابزار پیام، یعنی جاودانگی پیامبر در پرتو برخورداری از کوثر بوده که با نشان‌دار کردن مبتدا در متن سوره انجام گرفته است. در این سوره دو پیام اصلی، یعنی امتنان بر پیامبر با اعطای کوثر و زوال دشمنان او و دیگری شکر این نعمت، با عوامل انسجامی متن (دستوری، واژگانی و معنایی) ارتباط قوی با هم دارند و عدم توجه به هریک باعث می‌شود خواننده در فهم متن با مشکل مواجه شود. این تحقیق نشان داد که با تکیه بر زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی تفسیر ساختاری قرآن کریم ممکن است، و البته توجه به بافت فرهنگی و موقعیتی و ساختار صوری و معنایی برای کارگیری آنها در تحلیل کلام سوره ضرورت دارد.

به‌طور اخص مشخص شد که در سوره کوثر گوینده مفروض داشته که شنونده از اعطای کوثر به پیامبر و ابر بودن دشمنان ایشان (اطلاع نو) بی‌خبر است و به همین دلیل سخن خود را به صورت نشان‌دار طرح کرده است و بهمین ترتیب در تمام بندها اطلاع نو در مبتدای نشان‌دار آمده و اطلاع کهنه در خبر بند. ساختار اطلاعاتی سوره کوثر همسو با اصول ساختاری زبان عربی بوده و نیز ساختار اطلاعاتی زبان نیز در آن تجلی یافته است و دو چارچوب مکمل بسیار خوبی به دست می‌دهد. انسجام در این سوره به لحاظ متنی در غالب انسجام واژگانی، ارجاع، جانشینی و حذف عناصری دستوری تجلی یافت و البته عناصر انسجام دستوری در این میان از اهمیت بیشتری برخوردار است. به لحاظ انسجام واژگانی در سوره کوثر



نکته جالب اینجاست که تکرار واژه در آن وجود ندارد تکرار آوایی بر افزایش انسجام آوایی و اعجاز آوایی سوره افزوده است. بنابر این می‌توان گفت که تکرار آوایی و همایش عناصر اصلی انسجام واژگانی سوره کوثر وارجاع به ماقبل از مهمترین عناصر انسجام دستوری آن است. ارجاع برون متنی (نیاز مخاطب برای درک مفاهیم با اطلاعاتی خارج از متن احساس می‌کند تکیه بر اطلاعات محیطی و بافت زبانی) از طریق حذف محقق شد. با این حال، با تکیه بر این عنصر در ساختار متنی سوره است که در میان تمام جملات متن نوعی رابطه معنایی و منطقی حاکم است.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۱، تفسیر نیم، ج ۲، قم، اسراء.
- صفوی، کوروش، ۱۳۸۲، معنی شناسی کاربردی، تهران، همشهری
- غلام حسین زاده، غلامحسین و حامد نوروزی، ۱۳۸۹، «نقش تکرار آوایی در انسجام واژگانی شعر عروضی فارسی، ادب و زبان، ش ۲۸، ص ۲۸۱ - ۲۵۱
- لطفی پور ساعدی، کاظم، ۱۳۷۱، «در آمدی به سخن کاوی»، مجله زبان شناسی، شش ۱۷، صص ۴۰-۹.
- لطفی پور ساعدی، کاظم، ۱۳۸۰، درآمدی بر اصول روش ترجمه، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- Bloor, T. and Bloor, M., ۱۹۹۷, The Functional Analysis of English, A Halliday Approach. London.
- Eggins, S. ۱۹۹۴, An Introduction to Systemic Functional Linguistics, London, Pinter Publishers.
- Halliday, M, A, K and Hasan, R., ۱۹۸۰, Cohesion in English, Great Britain, longman.
- Halliday, M.A.K., ۱۹۶۴, "Comparison and translation," In M.A.K. Halliday, M.McIntosh and P. Stevens, The linguistic sciences and language teaching, London, Longman.
- Halliday, M.A.K., ۱۹۶۷, " Notes on transitivity and theme in English, Part ۲", Journal of Linguistics ۳, ۱۷۷ - ۲۷۴.
- Halliday, M.A.K., ۱۹۷۸, Language as social semiotic, The Social interpretation of language and Meaning, London, Edward Arnold.
- Halliday, M.A.K., ۲۰۰۴, An Introduction to Functional Grammar, revised edition, London, Edward Arnold.
- Hatim B. & Mason I, ۱۹۹۷, The Translator as Communicator, London, New York, Routledge.



- Larson, Mildred L. ۱۹۸۴, Meaning - Based Translation, A Guide to Cross-Language Equivalence, Lanham, University Press of America, Neubert, Albrecht.
- Leech and Short, ۱۹۸۱, Style In Fiction, A Linguistic Introduction to English Fiction Prose, London Longman.
- Salki, Raphael, ۱۹۹۵, Text and Discourse Analysis, Lodon and New York, Routledge.
- Simpson, P., ۲۰۰۴, Stylistics, a resource book for students, Routledge, London.
- Thompson, G., ۱۹۹۶, Introducing functional grammar, London, Arnold.

| ۱۲